

منفعت تاخیر در مذاکرات برجام از آن کیست؟

مدت زمان زیادی از پایان دور ششم گفت‌وگوهای ایران، کشورهای ۴+۱ و ایالات متحده در وین برای احیای توافق هسته‌ای می‌گذرد و با این حال هنوز مشخص نیست دور هفتم گفت‌وگوها چه زمانی آغاز خواهد شد.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، یکی از دلایل تاخیر در آغاز دور جدید مذاکرات این است که جمهوری اسلامی ایران در دوره انتقال قدرت به سر می‌برد و به همین دلیل ملاحظاتی درخصوص برخی تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. از جمله این ملاحظات، تشکیل کمیته تطبیق و ضرورت انتقال محتوای مذاکرات به دولت منتخب و همچنین در نظر گرفتن ایده‌های تازه‌ای است که ممکن است از جانب مسوولان دولت منتخب مطرح شود.

یکی دیگر از دلایل، فرصت‌طلبی امریکایی‌هاست که فرصت را برای پافشاری بر مواضع اشتباه گذشته مناسب دیده‌اند و اصرار دارند که ایران از هم‌اکنون یا بلافاصله پس از احیای برجام گفت‌وگوهای بیشتر را با ایالات متحده در موضوعاتی نظیر موضوعات منطقه‌ای و موشکی آغاز کند.

تاخیر در آغاز دور جدید مذاکرات و احیای برجام، آسیب‌هایی برای هر دو طرف دارد. در درجه اول این مردم ایران هستند که تحریم‌ها مستقیماً زندگی و معیشت آنها را هدف قرار داده و با تداوم این وضعیت، زندگی برای آنها هر روز سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. از همین رو دولت ایران باید در کنار تلاش مستمر برای رفع سریع‌تر تحریم‌ها گام‌هایی برای کاهش آسیب تحریم یا به عبارتی خنثی کردن آثار آن بردارد تا مردم بیش از این متحمل سختی و ناراحتی برای گذران زندگی نشوند. تاکنون نه از سوی دولت فعلی که کمتر از یک ماه دیگر باید قدرت را تحویل دهد و نه از سوی دولت آینده، برنامه روشنی برای کم کردن آثار تحریم بر زندگی مردم ارائه نشده و مسوولان صرفاً به بیان حرف‌های کلی در این زمینه اکتفا کرده‌اند. برای امریکا و اروپا هم این نگرانی وجود دارد که توان هسته‌ای ایران به صورت روزمره افزایش پیدا می‌کند.

ایران همزمان ذخایر اورانیوم خود را افزایش می‌دهد، سانتریفیوژهایی مدرن‌تر و متنوع‌تر را آزمایش می‌کند و هم به سوی اقداماتی قابل توجه نظیر تولید صفحه سوخت سیلیساید گام بر می‌دارد.

در نهایت هر دو طرف از طولانی‌تر شدن مذاکرات ضرر می‌کنند و با توجه به شرایط، به نفع تهران و سایر طرف‌های برجام است که هر چه زودتر این توافق احیا شود.

در این میان طرف مقابل می‌کوشد با مانور تبلیغاتی روی برخی موضوعات، شرایط را به نوعی تصویر کند که گویا ایران مقصر تام و تمام عدم احیای برجام بوده و طرف غربی تقصیری در این زمینه ندارد. یکی از این موارد، واکنش گسترده‌ای است که طرف غربی به تولید اورانیوم فلزی از سوی ایران نشان داد. مساله این است که ایران در حال قدرتمندی علمی در تولید صفحه سوخت سیلیساید است اما این موضوع به معنای تولید اورانیوم فلزی نیست. در فرآیند تولید صفحه سوخت سیلیساید مقداری اورانیوم فلزی نیاز است اما بلافاصله این اورانیوم فلزی با ترکیبات جدیدی ماهیتش تغییر می‌کند. یعنی ایران در حال تولید و ذخیره اورانیوم فلزی نیست بلکه در فرآیند تولید صفحه سوخت سیلیساید از اورانیوم فلزی استفاده می‌کند.

غربی‌ها به این دلیل خیلی نگران شده‌اند که یکی از موارد موردنیاز برای ساخت بمب هسته‌ای تولید اورانیوم فلزی است و آنها این‌گونه وانمود می‌کنند که ایران در این مسیر گام برمی‌دارد. با این وجود ذکر این نکته ضروری است که تمام فرآیندی که ایران برای تولید صفحه سوخت سیلیساید طی می‌کند به طور کامل زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد و با توجه به اینکه یکی از وظایف اصلی آژانس عدم اشاعه سلاح هسته‌ای است، امکان ندارد که کشوری فرآیندی غیرصلح‌آمیز را زیر نظر آژانس انجام دهد.

هدف ایران از ساخت این صفحات سوخت، تامین نیاز راکتور تحقیقاتی تهران بوده و ایران هدفی صلح‌آمیز را دنبال می‌کند. اگر غرب به صورت جدی نگران توسعه فعالیت‌های هسته‌ای ایران است، ضرورت دارد هرچه سریع‌تر به توافق هسته‌ای بازگردد تا تهران نیز اجرای تعهداتش در برجام را از سر بگیرد.

تمامی فعالیت‌های ایران بازگشت‌پذیر است و در صورتی که توافق برجام احیا شود، ایران گام‌های کاهش تعهدات خود را به عقب بازخواهد گشت. از نظر علمی نیز طرف مقابل باید ببیند، علم هسته‌ای در ایران به صورت کامل بومی‌سازی شده و زمانی که علم بومی‌سازی می‌شود نمی‌توان آن را کنار گذاشت و این یعنی صنعت هسته‌ای ایران یک واقعیت انکارناپذیر است.

دولت اوباما این موضوع را پذیرفت و برای دستیابی به توافق پیشگام شد. در آن زمان نیز ایالات متحده تمایل داشت که تک‌تک پیچ و مهره‌های تاسیسات هسته‌ای ایران را باز کند اما کاخ سفید این واقعیت را درک کرد که علم هسته‌ای در ایران بومی‌سازی شده و باید با این واقعیت کنار آمد، به همین دلیل راه‌حل برجام مطرح شد تا از نظر فنی مسیر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مسدود شود. تاکید بر بازگشت ناپذیر بودن فعالیت‌های ایران، نوعی فضا سازی برای اثرگذاری بر مذاکرات است. ایالات متحده و اروپا تمایل دارند بدون اینکه گامی در مسیر اجرای تعهداتشان بر دارند، ایران به صورت کامل به اجرای برنامه جامع اقدام مشترک بازگردد.

ایران در سال ۲۰۱۸ و پس از خروج ایالات متحده از برجام، برای یک سال این مسیر را در پیش گرفت و صبر استراتژیک پیشه کرد تا ببیند طرف اروپایی تا چه اندازه در اجرای تعهدات خود جدی است اما زمانی که پیشرفتی حاصل نشد و هیچ منفعت اقتصادی نصیب ایران نشد طبیعی بود که این مسیر تغییر کند. اکنون ایران گام‌هایی را در راستای کاهش تعهدات برداشته که همگی بازگشت‌پذیر هستند و اگر توافق احیا شود، تهران نیز اجرای کامل تعهداتش را از سر خواهد گرفت.

واقعیت این است که در شرایط فعلی و برای احیای برجام ضروری است که هم ایالات متحده و هم ایران از بخشی از خواسته‌های خود بگذرند، چراکه امکان ندارد هر دو طرف برای رسیدن به صددرصد خواسته‌های خود پافشاری کنند و بعد بتوانند به توافق برسند. رمز موفقیت ایران و امریکا در رسیدن به توافق برجام این بود که هر دو طرف پذیرفتند بخشی از خواسته‌های خود را نادیده بگیرند تا امکان توافق وجود داشته باشد و این‌بار نیز می‌توان با بهره‌گیری از همان تجربه، برای اجرای مجدد برنامه جامع اقدام مشترک به توافق رسید.